

## بررسی نگرش زنان به ارزش فرزندان (مورد مطالعه: زنان ۴۹-۱۵ ساله شهر شیراز)

فاطمه هاشمی‌نیا، کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه شیراز، ایران

ماهرخ رجبی، استادیار، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز، ایران

علی یاراحمدی، استادیار، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز، ایران\*

### چکیده

این مقاله، ارزش فرزندان را از دیدگاه زنان شهر شیراز بررسی کرده است. شناخت ارزش‌های مثبت و منفی فرزندان از منظر والدین به دلیل تأثیری که در تصمیم‌گیری‌ها و انگیزه‌های والدین برای فرزندآوری دارد، نقش مهمی در تغییرات سطوح باروری یک جامعه ایفا می‌کند. روش تحقیق به صورت پیمایشی است و اطلاعات با استفاده از پرسشنامه از نمونه‌ای ۴۰۰ نفری از زنان ۴۹-۱۵ ساله متأهل ساکن شهر شیراز جمع‌آوری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند مقوله‌بندی ارزش فرزندان با توجه به بارهای عاملی منتج از آزمون‌های تحلیل عامل با مقوله‌بندی فاوست از ارزش فرزندان منطبق است. میانگین نمره کل ارزش‌های فرزندان در مقیاس صفر تا صد برابر با  $73 \pm 9/8$  است. یافته‌های استنباطی مطالعه نشان می‌دهند حداقل یکی از مقوله‌های ارزش فرزندان شامل ارزش اقتصادی، هزینه‌های فرصت ازدست‌رفته، تقویت و توسعه خود، کسب هویت با فرزندان، تداوم خانواده با توجه به متغیرهای تحصیلات، سن ازدواج، درآمد خانواده، محل تولد، وضعیت اشتغال و سن زنان متفاوت است. بین متغیرهای تحصیلات و سن ازدواج با ارزش‌های منافع اقتصادی، منافع احساسی، تقویت و توسعه خود و تداوم خانواده، رابطه معنی‌دار و معکوسی وجود دارد ( $P\text{-value} \leq 0/05$ ). هرچه سن زن و شوهر افزایش می‌یابد، درک زنان از منافع اقتصادی داشتن فرزند بیشتر می‌شود. برای زنانی که درآمد خانوادگی بیشتری دارند، منافع اقتصادی، تداوم خانواده، توسعه و تقویت خود و کسب هویت با فرزندان، اهمیت کمتری دارد. حداقل یکی از مقوله‌های ارزش فرزندان با توجه به متغیرهای تحصیلات، سن ازدواج، درآمد خانواده، محل تولد، وضعیت اشتغال و سن زنان متفاوت است. به‌طور کلی، در جامعه مدرن امروزی، تغییر مقوله‌های ارزش فرزندان از مفهوم سنتی آن وجود دارد و زنان، فرزند را کالایی اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی می‌پندارند که داشتن آن احساس مطلوبیت برای فرد ایجاد می‌کند که ارضاکنده ارزش‌های غیرمادی است و والدین حاضرند با وجود کاهش منافع عینی و کارکردی، داشتن فرزند را تجربه کنند.

**کلیدواژه‌ها:** ارزش فرزندان، ارزش احساسی - عاطفی، ارزش اقتصادی، تداوم خانواده، توسعه خود، کسب هویت با فرزندان

## مقدمه و بیان مسأله

جامعه، اهمیت خاصی برای به دنیا آوردن فرزندان و پرورش آن‌ها قائل است. به همین دلیل تشویق‌ها و تنبیه‌هایی برای تنظیم این امر ایجاد می‌کند؛ با وجود این، اهمیت زاد و ولد تنها به سطح جامعه ختم نمی‌شود؛ در سطح خرد یعنی خانواده نیز داشتن فرزندان، اهمیت اساسی برای والدین دارد. اگرچه تمایل به داشتن فرزند به‌طور طبیعی در نهاد انسان گذاشته شده است؛ عوامل زیادی در قصد والدین برای داشتن فرزند مؤثر هستند. داشتن فرزند، بخش طبیعی زندگی بزرگسالی در نظر گرفته می‌شود و شامل پرورش و تربیت فرزندان، به اشتراک گذاشتن زندگی با آن‌ها و به عهده‌گرفتن مسئولیت برای خوشبختی و رفاه آن‌ها است. انگیزه‌های فردی داشتن فرزند در ارتباط با اهداف خانوادگی، احساسی و اجتماعی است، به‌گونه‌ای که عوامل اجتماعی - فرهنگی، شرایط ساختاری و عوامل زمینه‌ای را برای داشتن و نداشتن فرزند فراهم می‌کنند. همچنین این عوامل با عقاید و ارزش‌های اجتماعی درباره داشتن فرزند و تعداد فرزندان و پذیرش فردی ارزش‌ها و هنجارها و عقاید فرهنگی در ارتباط هستند (Mayer & Trommsdorff, 2010). در جامعه ایران، به‌طور سنتی، فرزندان، مواهب الهی قلمداد می‌شوند و حضور آن‌ها عادی و انتظارداشتنی است و نبود آن‌ها باید توضیح داده شود. در فرهنگ ایرانی، ضرب‌المثل‌هایی چون زوج‌های بدون فرزند شبیه درختان بدون میوه‌اند، نشان می‌دهند فرزندان، مرکز خانواده و سبب همبستگی درون ساختار خانواده هستند. قابلیت زوجین برای بچه‌دار شدن به‌صورت یک ارزش پذیرفته شده است و توانایی داشتن فرزند خیلی زود بعد از ازدواج، به‌ویژه برای زنان باید اثبات شود (Aghajanian, 2008). به‌طور کلی ارزش فرزندان، مجموعه چیزهای خوبی هستند که والدین با داشتن فرزندان دریافت می‌کنند و ابعاد وسیع اجتماعی، روانی و اقتصادی دارد (لوکاس و میر<sup>۱</sup>، ۱۳۸۴). تغییر در نحوه ارزش‌گذاری والدین بر فرزندان، یکی از علل تغییر

باروری در سطح خرد است.

پژوهشگران علاقمند به فهم پویایی‌های جمعیتی، بیش از سه دهه است که ارزش فرزندان را از منظر والدین مطالعه می‌کنند. ارزشی که والدین از فرزندان درک می‌کنند، زمینه‌ساز انگیزه‌های بچه‌زایی و باروری است. ارزش فرزندان برای شفاف‌کردن اهداف و انتظارات والدین درباره فرزندان، روابط و تفاوت‌های بین نسلی و مجموعه‌ای از عوامل نمایان‌کننده جایگاه فرزند در خانواده و جامعه اهمیت دارد (Dinn & Kagtçibasi, 2010). بر اساس ملاحظات پژوهشی، ارزش فرزندان به‌روشنی تفاوت‌های بین فرهنگی را در تصمیم‌های فردی رفتار باروری نشان می‌دهد (Klein & Eckhard, 2007). مفهوم ارزش فرزندان به‌دلیل متأثر شدن از تغییرات جامعه و زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی، موضوعی است که بر اساس نوع جامعه در حال تغییر است و پیامدهای متنوع و گسترده‌ای به همراه دارد و تعیین‌کننده مستقیم انگیزه والدین برای داشتن تعداد خاص فرزند و تعیین و تنظیم زمان بچه‌دار شدن در نظر گرفته می‌شود. نتیجه ملاحظات سودگرایانه والدین، بهینه‌سازی رفاه فردی آن‌ها است (Kagtçibasi, 1982).

افزایش سریع میزان باروری در دهه اول انقلاب اسلامی و کاهش تدریجی میزان باروری بعد از دهه اول بعد از انقلاب باعث شده است در سال‌های اخیر نگرانی‌هایی درباره روندهای جمعیت ایجاد شود. جمعیت ایران، در حال حاضر با حجم زیادی از زنان و مردان در سن باروری مواجه است، پدران و مادرانی که شناسایی و ارزیابی نگرش‌های مثبت و منفی آن‌ها به فرزندآوری، اهمیت اساسی دارد. بررسی انگیزه‌های والدین برای داشتن یا نداشتن فرزند که خود تحت تأثیر ساخت جامعه، خانواده و ویژگی‌های روانی - اجتماعی زوجین و مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، در برنامه‌ریزی و جهت‌دهی میزان‌های رشد جمعیت مفید است. اینکه چرا افراد، نگرش خاصی نسبت به تولید مثل و ارزش فرزندان پیدا می‌کنند، چه انگیزه‌هایی باعث می‌شود آن‌ها تعداد خاصی فرزند را مطلوب بدانند، زنان، نگرش نسبت به ارزش فرزندان به‌صورت عامل تأثیرگذار در تصمیم‌گیری و

<sup>1</sup> Lucas & Meyer

در ارزش فرزندان در فرایند فرزندآوری، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که مهم‌ترین دلایل خواستن فرزند بعدی، عشق و علاقه به فرزند، افتخار در آینده و بار و یاور خواهر و برادر بودن و دلایل نخواستن فرزند بعدی از سوی والدین، نگرانی درباره تربیت فرزند و هزینه‌های سنگین مالی است. برای خواستن فرزند بعدی، مهم‌ترین ارزش فرزند برای زوجین، ارزش‌های نگرشی و کم‌اهمیت‌ترین، ارزش‌های اقتصادی است. ارزش فرزند و دلایل فرزندخواهی بیشتر با ذوق و احساسات زوجین ارتباط پیدا می‌کند، در حالی که نخواستن فرزند با دلایل اقتصادی و اجتماعی تبیین شده است. ضیایی بیگدلی و همکاران (۱۳۸۵) در مطالعه خود نشان می‌دهند در جوامع فقیر و محروم، فرزندان، کالایی اقتصادی به حساب می‌آیند؛ زیرا با کار کودکان، بازده و سود مدنظر نصیب والدین می‌شود و فرزندان در هنگام پیری و از کار افتادگی والدین به صورت منابع مالی به آن‌ها کمک می‌کنند. فرزندان خانواده‌های فقیر به‌ویژه فرزندان پسر، عسای پیری یا به عبارتی، تأمین اجتماعی والدین خود به شمار می‌آیند.

عباس شوازی و همکاران (۱۳۸۳) در پژوهشی درباره نگرش زنان درباره رفتار باروری و ارزش فرزندان در چهار استان کشور نشان می‌دهند با افزایش سطح سواد، زنان به نسبت بیشتری به داشتن تنها یک فرزند معتقد بودند و برعکس زنان بی‌سواد به ایدئال بودن سه فرزند یا بیشتر اشاره کردند. بیشتر زنان بر عامل اقتصادی افزایش هزینه‌های زندگی برای مطلوب‌دانستن تنها یک فرزند تأکید کرده‌اند. زنان امروز، به هزینه‌های روحی و روانی و حتی هزینه‌های فرصتی فرزند آگاهی دارند و معتقدند چنانچه تعداد فرزند کمتر باشد، برای علایق خود و تربیت بهتر فرزندان می‌تواند برنامه‌ریزی کنند.

برخلاف پژوهش‌های داخلی، مطالعات خارجی وسیعی درباره ارزش فرزندان انجام شده است. کلاس و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) با مطالعه ارزش فرزندان در فلسطین و ترکیه نشان دادند فلسطینی‌ها اهمیت بیشتری برای فرزندان برای ایجاد

تمایل برای فرزندخواهی را چگونه ارزیابی می‌کنند، اینکه عوامل اجتماعی-اقتصادی و جمعیتی چگونه در نگرش زنان نسبت به ارزش فرزندان تأثیر می‌گذارد و چگونه انگیزه زنان برای فرزندخواهی با این عوامل تبیین می‌شود، همواره محل پرسش بوده است. این پژوهش می‌کوشد ارزش‌های مثبت و منفی فرزندان را در سطح خانواده بررسی کند؛ زیرا شناخت دلایل و ارزش‌های مختلفی که والدین برای خواستن یا نخواستن فرزند یا فرزندان بعدی دارند، در امر سیاست‌گذاری جمعیت و خانواده استفاده می‌شود.

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌های داخلی اندکی درباره ارزش فرزندان انجام شده است. مشفق و غریب (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر رابطه ارزش فرزندان و باروری نشان می‌دهند هیچ تفاوتی بین گروه‌های مختلف شغلی زنان و زنان غیرشاغل درباره ارزش‌گذاری فرزندان وجود ندارد. بیشتر زنان، داشتن دو فرزند را مطلوب می‌دانند و متغیر سطح تحصیلات در هر دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار با مؤلفه‌های فواید اقتصادی فرزند و محدودیت‌ها و فرصت‌های ازدست‌رفته، رابطه مستقیم دارند. ترابی (۱۳۹۰) در بررسی خود بیان می‌کند که با گسترش روش‌های تولیدی و نهادهای اجتماعی غیرخانوادگی، فایده اقتصادی کودکان و اتکای والدین به فرزندان در روزهای کهولت و گرفتاری کاهش یافته است. شاهنوشی و سامی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای، تفاوت ارزش فرزندان را در مناطق شهری و روستایی بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهند ارزش فرزندان در خانوارهای روستایی و شهری یکسان نبوده و متغیرهای ارزش اقتصادی-امنیتی و مالی فرزند، کسب هویت از فرزند، پیوستگی و تداوم خانواده، زحمات جسمی (خستگی) و ترجیحات جنسی در تفاوت ارزش فرزندان در مناطق شهری و روستایی تأثیرگذار بوده‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد نگرش اقتصادی به فرزند در بین خانوارهای روستایی تغییر پیدا کرده است.

قربانی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی عوامل مؤثر

<sup>۱</sup> Klaus & Suckow

تصمیم‌گیری برای داشتن فرزند را تعیین می‌کند و از سوی دیگر، خود به شرایط ساختار اجتماعی و فرهنگی و منابع فردی و خصیصه‌های بالقوه والدین وابسته است. تصمیم برای داشتن یا نداشتن فرزند تحت تأثیر مجموعه‌ای از شرایط از جمله شرایط نهادی خاص، ساختارهای فرصت، شبکه اجتماعی و خویشاوندی و ویژگی‌های فردی والدین است.

آرنولد<sup>5</sup> و همکاران (1987) ارزش‌ها و هزینه‌های کودکان را به صورت مجموعه‌ای از متغیرهای مداخله‌گر در بین شش کشور مطالعه کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند تفاوت‌های معنی‌داری در ارزش کودکان در سه گروه اقتصادی- اجتماعی شامل طبقه متوسط شهری، طبقه پایین شهری و ساکنان مناطق روستایی مشاهده شده است. مهم‌ترین دلیل‌ها برای خواستن فرزند در همه کشورهای و بین همه طبقات اقتصادی- اجتماعی، لذت‌های عاطفی بوده است. والدین روستایی بر منافع اقتصادی و امنیتی دوران پیری فرزند تأکید می‌کردند. در همه کشورهای، نقش کودکان در استحکام ازدواج و حفظ نام و نسب، دلایل ارجمندی کودکان مطرح شده است.

تارچی و بریانت<sup>6</sup> (1979) بیان می‌کنند که کاهش باروری با تغییر در ارزش فرزند به دلیل تغییر در هزینه‌ها و فواید اقتصادی فرزندان رخ می‌دهد. فرایندهای توسعه اقتصادی و گذار جمعیتی، بخشی از فرایند کلی مدرنیزاسیون است که در تغییر سیستم ارزشی فرزندان مؤثر است. فرایندهایی که با آن‌ها هزینه‌های فرصت، توسعه می‌یابند، اثرشان تنها در ارزش کودکان نیست، بلکه رفاه و کیفیت زندگی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. گرنو<sup>7</sup> (1973) در پژوهشی درباره تأثیر کودکان در ارزش زمان زنان خانه‌دار به این نکته اشاره می‌کند که هزینه زمان محاسبه شده باید شامل هزینه‌های مراقبت و خدمات به فرزند و تمام زمانی باشد که صرف رسیدگی به خانه و دورماندن از مهارت‌های بازار کار می‌شود. افزایش هزینه زمان یا فرصت ازدست‌رفته زنان در تصمیم آن‌ها درباره

آسایش والدین و کسب احترام اجتماعی قائل هستند. در هر دو کشور، فرزندان برای تأمین نیازهای عاطفی و کسب لذت اهمیت دارند. در فلسطین، ارزش فرزندان، مستقل از شرایط خاص زندگی تعریف می‌شود، در آنجا باروری زیاد است؛ زیرا این‌گونه خواسته می‌شود. بر اساس یافته‌های پژوهش کلین و اکهارد (2007) در بین زنان با تحصیلات بالاتر، درک ارزش غیرمادی فرزندان اهمیت بیشتری دارد و ارزش روانی والدین، تصمیم‌گیری برای تشکیل خانواده را ایجاد می‌کند. در مقابل، جنبه‌های مطلوب اقتصادی مانند امنیت دوران پیری کمتر اهمیت دارد. زنان دارای تحصیلات پایین، تمایل بیشتری برای تشکیل خانواده نشان می‌دهند و درک ارزش غیرمادی فرزندان برای آن‌ها اهمیت کمتری دارد. نتایج یافته‌های بولر<sup>1</sup> (2008) بیان می‌کنند فرزندان، بهبوددهنده شبکه اجتماعی والدین هستند. تمایلات به باروری برای زنان با امید و انتظاری، که فرزند برای والدینش خواهد آورد و به توقعی مربوط است که فرزند به عنوان حامی دوران پیری فراهم می‌کند.

ناک و کلاس<sup>2</sup> (2007) در پژوهشی، ارزش فرزندان را برای والدین بررسی کردند. تحلیل در ساختاری سه‌بعدی از ارزش کودکان همچون آسایش، نفوذ و اعتبار اجتماعی انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهند در کشورهای با باروری بالا و سیستم‌های خویشاوندی مبتنی بر تبار و ثروت کم، آسایش و اعتبار، بیشترین اهمیت را داشتند. در حالی که در کشورهای با باروری پایین و ثروت زیاد و سیستم مطمئن دولتی، کمترین اهمیت را داشت. برادبری<sup>3</sup> (2004) در پژوهش خود بیان می‌کند هزینه‌های مصرفی فرزندان بر منابع مالی والدین فشار وارد می‌کنند. والدین برای بزرگ کردن فرزندان از استراحت خود و ساعات فردی‌شان تا حد زیادی می‌کاهند. ساکو<sup>4</sup> و کلاس (2002) در پژوهشی، رابطه فرهنگی ارزش کودکان و همچنین روابط والدین-فرزندان را در شش کشور بررسی کرده‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهند ارزش فرزندان از یکسو

<sup>1</sup> Buhler

<sup>2</sup> Nauck & Klaus

<sup>3</sup> Bradbury

<sup>4</sup> Suckow

<sup>5</sup> Arnold

<sup>6</sup> Turchi & Bryant

<sup>7</sup> Gronau

تعداد فرزندان تأثیر می‌گذارد.

### ملاحظات نظری

ارزش فرزندان به کارکردهایی اشاره می‌کند که آن‌ها ارائه می‌دهند و یا نیازهایی که برای والدینشان برآورده می‌کنند و منفی که برای آن‌ها دارند (Hoffman & Hoffman, 1973). ارزش فرزندان، مفهومی است که مطابق تحولات اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی هر جامعه تغییر می‌یابد و به‌طور کلی، مجموعه چیزهای مثبت و منفی هستند که والدین با داشتن فرزند دریافت می‌کنند. ارزش‌های مثبت، منافع داشتن فرزند و ارزش‌های منفی، هزینه‌های فرزند را دربرمی‌گیرند. این مفهوم در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی بررسی می‌شود. هر کدام از نظریه‌ها از دیدگاه خاصی به این موضوع می‌نگرند و آن را تحلیل و تبیین می‌کنند. تجربیات مختلف زندگی مانند داشتن فرزند بر اساس محاسبات عقلانی انجام می‌شود. بر اساس نظریه انتخاب عقلانی، افراد، کنشگران هدفمندی هستند که به دنبال بهینه‌سازی منافع خویش هستند و کنشی را انتخاب می‌کنند که بهترین نتیجه را داشته باشد (Turner, 1998: 304). فریدمن<sup>۱</sup> و همکاران (1994) با ارائه نظریه ارزش فرزندان بیان می‌کنند فرزنددار شدن از علائق اولیه افراد است و ارزش کودکان منتج از ظرفیتشان برای کاهش عدم اطمینان برای زنان و افزایش انسجام زناشویی برای زوجین است (Freedman et al., 1994).

در ویرایش جدید رهیافت ارزش فرزندان، این رهیافت با نظریه تابع تولید اجتماعی<sup>۲</sup> یکی شده است و فرزندان به‌صورت کالاهای واسطه برای بهینه‌کردن بهزیستی فیزیکی<sup>۳</sup> و احترام اجتماعی<sup>۴</sup> والدینشان در تولید اجتماعی مطرح می‌شوند. احترام اجتماعی، پاداشی است که فرد با شرایط اجتماعی کسب می‌کند؛ مانند پایگاه و موقعیت، عاطفه و

مهربانی و تأیید اجتماعی. منظور از بهزیستی فیزیکی، توانایی فرد برای بقای فیزیکی و بهبود رفاه خودش است. هدف از این تلاش، توضیح ارزش فرزندان برای توسعه تئوریک خاص برای این مسأله است که فرزندان چطور و در چه شرایطی در تابع تولید اجتماعی برای ارتقای احترام اجتماعی و رفاه مادی والدینشان کالاهای واسطه‌ای می‌شوند (Nauck, 2005). نتایج یافته‌های دیبر<sup>۵</sup> (2007) در کشورهای آفریقایی نشان می‌دهند دلایل داشتن فرزند برای والدین، شادی آفرینی و رفاه شخصی است. فرزندان برای حفظ امنیت پیوند ازدواج و ایجاد امنیت اجتماعی برای والدین در دوران پیری، حفظ اصل و نسب و نام ضروری هستند. برخی از اقتصاددانان درباره باروری و تصمیم‌گیری برای داشتن فرزند، نظریه‌هایی ارائه داده‌اند. اساس نظریه‌های اقتصاد باروری این است که تغییر توازن بین هزینه‌ها و فواید فرزندآوری باعث کاهش درخواست والدین برای فرزند و در نتیجه کاهش باروری شده است (Cleland & Wilson, 1987: 5). استرلین<sup>۶</sup> (1978) در نظریه اقتصاد نو خانوار<sup>۷</sup> بیان می‌کند زوج‌ها برای حفظ تعادل میان عرضه و تقاضای فرزند تلاش می‌کنند. چنانچه به دلیل افزایش بقای نوزادان و کودکان یا افزایش هزینه فرصت کودکان، عرضه بیش از تقاضا شود، در این صورت ممکن است زوجین بر اساس برداشتشان از هزینه‌ها از جمله هزینه‌های مالی و اجتماعی سعی در تنظیم رفتار باروری کنند. بکر<sup>۸</sup> (1960) این رهیافت را توسعه داد و کودکان را کالاهای مصرفی<sup>۹</sup> در نظر گرفت که والدین برای کسب آن‌ها به زمان و پول نیاز دارند. وی برای هر فرزند، فایده‌ای در نظر می‌گیرد که بیان‌کننده رابطه میان تمایل زوجین برای داشتن فرزند و همه کالاهای و فعالیت‌هایی است که از نظر پول و زمان با فرزند رقابت می‌کنند (Weeks, 2011)؛ به عبارتی، تعداد فرزندان به درآمد در دسترس خانواده و قیمت‌های پنهان و در

<sup>5</sup> Deyer

<sup>6</sup> Esterlin

<sup>7</sup> New home economic theory

<sup>8</sup> Becker

<sup>9</sup> Consumer goods

<sup>1</sup> Fredman

<sup>2</sup> Social production function

<sup>3</sup> Physical well-being

<sup>4</sup> Social esteem

اجتماعی متصل شده‌اند، با تنوعات فرهنگی و تغییرات اجتماعی مرتبط و تکمیل‌کننده برخی جنبه‌های پدر و مادرشدن هستند (Fawcett, 1972). مفهوم ارزش فرزندان مبتنی بر کاری است که لوئیز و مارتین هافمن (1973) انجام دادند. آن‌ها جنبه‌های روان‌شناختی را تعیین‌کننده‌های بسیار مهمی برای تولد فرزندان در نظر گرفتند و ارزش فرزندان را در سطح فردی بررسی کردند؛ زیرا معتقد بودند تنها والدین هستند که می‌توانند انتخاب کنند آیا فرزند داشته باشند یا نه (Nauck, 2005).

هافمن و هافمن (1973) 9 مقوله را برای ارزش فرزندان شامل 1- بزرگسالی و هویت اجتماعی،<sup>5</sup> 2- توسعه خود،<sup>6</sup> 3- اخلاقیات: گره‌خوردن با موجودیتی بزرگ‌تر، جاودانگی،<sup>7</sup> 4- اخلاقیات: مذهب، نوع دوستی، هنجارهای درباره تمایلات جنسی،<sup>8</sup> 5- پرهیزکاری،<sup>9</sup> 6- پیوندهای گروه نخستین، عاطفه و مهربانی،<sup>10</sup> 7- انگیزش، تازگی، سرگرمی،<sup>11</sup> 8- شایستگی،<sup>12</sup> 9- قدرت، تأثیرپذیری، تأثیرگذاری،<sup>13</sup> 10- مقایسه اجتماعی، رقابت<sup>13</sup> و 11- سودمندی اقتصادی<sup>13</sup> در نظر می‌گیرند. آن‌ها علاوه بر ارزش‌های فهرست‌شده مدل نظری از دیگر عوامل مؤثر شامل منابع جایگزینی از ارزش فرزندان، هزینه‌های فرزندان، موانع و محرک‌ها یا مشوق‌ها را نیز ارائه می‌دهند (Hoffman & Hoffman, 1973). فاوست با توجه به مطالعات مقایسه‌ای، دسته‌بندی دیگری از ارزش عمومی مثبت و منفی فرزندان ارائه می‌دهد. وی مقوله‌های مربوط به ارزش‌های مثبت فرزندان را با عنوان 5 مقوله منافع احساسی (خوشی و سرور در زندگی والدین، و موضوع عشق و محبت و همدمی برای والدین)، منافع و امنیت اقتصادی (کمک در کارهای خانه، سهم‌داشتن در درآمد خانه، امنیت دوران پیری و

سایه<sup>1</sup> (هزینه فرصت تولید یا مصرف کالاهایی که در اقتصاد بازار معامله نمی‌شوند؛ مثل بهداشت، آموزش و پرورش و...) نه تنها فرزندان؛ دیگر کالاها و خدمات وابسته است. در این دیدگاه، هزینه‌های فرصت داشتن فرزند، از تغییرات در ارزش زمان والدین متأثر است. اگر ارزش واقعی زمان والدین افزایش یابد و اگر کودکان زمان‌برتر از میانگین کالاهای مصرفی بادوام باشند، قیمت کودکان در ارتباط با سایر کالاها افزایش خواهد یافت. علاوه بر این، اگر مراقبت از کودک برای مادران نسبت به پدران زمان‌برتر باشد و اگر ارزش زمان زنان در ارتباط با زمان مردان افزایش یابد، در آن صورت کودکان، هزینه‌برتر خواهند شد و تعداد مطلوب فرزندان کاهش می‌یابد (Nauck, 2005).

نظریه هزینه‌ها و منافع فرزندان لیبشتاین<sup>2</sup> (1960-70) بر این فرض استوار است که منفعت یا ضرر اقتصادی فرزندان، عاملی است که باعث می‌شود والدین تصمیم بگیرند چه تعداد فرزند داشته باشند (حسینی، 1390). لیبشتاین فواید فرزندان را به سه دسته تقسیم می‌کند: فرزند: منبع لذت برای والدین (سودمندی مصرفی)، نیروی کار قلمدادشدن فرزند (سودمندی تولیدی)، تأمین و نگهداری والدین در سنین کهولت یا وضعیت‌های دیگری مثل بیماری و یا از کار افتادگی (سودمندی تأمینی). وی هزینه‌های فرزندان را شامل دو نوع هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم یا فرصتی می‌داند (Leibenstein, 1997). بررسی رانی<sup>3</sup> و همکاران (2003) نشان می‌دهد در کشورهای در حال توسعه، محرک‌های اقتصادی در تصمیم‌گیری برای داشتن فرزند تأثیر می‌گذارد. ارزش اقتصادی فرزند تحت تأثیر دو عامل است: مشارکت فرزندان در نیروی کار برای کسب درآمد خانواده و امنیت دوران پیری والدین. از نظر فاوست<sup>4</sup> ارزش‌های خاص در نیازهای روان‌شناختی خاص قرار گرفته‌اند که به ساختارهای

<sup>5</sup> Adult status & Social identity

<sup>6</sup> Expansion of the self, Tie to a larger entity, Immortality

<sup>7</sup> Morality: Religion, Altruism, Norms regarding sexuality, Virtue

<sup>8</sup> Primary group ties, Affection

<sup>9</sup> Stimulation, Novelty, Fun

<sup>10</sup> Competence, Creativity

<sup>11</sup> Power, Influence, Ability have an impact on things

<sup>12</sup> Social comparison, Competition

<sup>13</sup> Economic utility

<sup>1</sup> Shadow prices

<sup>2</sup> Leibenstein

<sup>3</sup> Rani

<sup>4</sup> Fawcett

طیف لیکرت و با پاسخ‌های از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق سنجش شده است. آلفای کرونباخ برای طیف ارزش فرزندان ۰/۸۴ است. ارزش فرزندان بر اساس چارچوب نظری فاوست (1974) شامل مقوله‌های منافع احساسی، هزینه‌های احساسی، تداوم خانوادگی، کسب هویت با فرزندان، تقویت و توسعه خود، هزینه‌های اقتصادی، منافع اقتصادی، محدودیت‌ها و هزینه‌های فرصت ازدست‌رفته با مقادیر آلفای به‌ترتیب ۰/۶۱، ۰/۶۳، ۰/۶۸، ۰/۶۶، ۰/۶۶، ۰/۸۵، ۰/۷۸، ۰/۵۸ است.

متغیر کلی ارزش فرزندان و مقوله‌های تشکیل‌دهنده با محاسبه بارهای عاملی مقوله‌های مختلف، به‌صورت نمرات استاندارد محاسبه شد؛ سپس نمرات استاندارد، به دامنه صفر تا صد تبدیل شد تا فهم و قابلیت مقایسه شاخص‌ها تقویت شود. میانگین کلی ارزش فرزندان در مقیاس صفر تا ۱۰۰ برابر با ۷۳/۶ با انحراف معیار ۹/۸ است.

متغیرهای مستقل پژوهش شامل متغیرهای جمعیتی: سن پاسخگو، سن همسر پاسخگو، سن ازدواج پاسخگو و سن ازدواج همسر پاسخگو، مدت ازدواج، محل تولد، باروری واقعی (تعداد فرزند زنده به‌دنیا آمده)، نگرش نسبت به تعداد ایدئال فرزند (تعداد فرزندی که زن برای داشتن مناسب و مطلوب می‌داند) و متغیرهای اجتماعی - اقتصادی: تحصیلات پاسخگو و تحصیلات همسر پاسخگو، وضعیت شغلی، درآمد خانواده، طبقه اجتماعی خوداظهار (در سه سطح بالا، متوسط، پایین) است.

#### یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، میانگین سن پاسخگویان ۳۵/۱۵ سال بوده است. گروه‌های سنی ۳۴-۳۰ سال و ۲۹-۲۵ سال به‌ترتیب با ۲۴/۶ درصد و ۲۰ درصد بیشترین درصد فراوانی جمعیت را در برمی‌گیرند. میانگین سنی همسران پاسخگویان، ۴۰/۷۶ است که گروه‌های سنی ۳۴-۳۰ و ۴۴-۴۰ به‌ترتیب با رقم ۲۴/۹ درصد و ۲۴/۶ درصد بیشترین درصد را به خود اختصاص می‌دهند. میانگین سن ازدواج در بین زنان ۲۰/۷۷

(...)، تقویت و توسعه خود (تجربه بزرگ و تربیت‌کردن فرزندان، افزایش مسئولیت‌پذیری والدین، عضو کامل اجتماع پذیرفته‌شدن زوجین با داشتن فرزند)، کسب هویت با فرزندان (لذت‌بردن از تماشای رشد فرزندان، افتخارکردن به فضیلت و کمال فرزندان) و پیوستگی و تداوم خانواده (فرزندان فرجام طبیعی ازدواج، کمک به تقویت پیوند ازدواج زن و شوهر، ادامه‌دهنده نام خانوادگی) بیان کرده است. ارزش‌های منفی یا همان هزینه‌ها را نیز با ۵ مقوله هزینه‌های احساسی (نگرانی درباره سلامت فرزندان، رفتار فرزندان)، هزینه اقتصادی (هزینه‌های پوشاک، تحصیل و دیگر مخارج فرزندان)، محدودیت‌ها و هزینه‌های فرصت ازدست‌رفته (آزادی کمتر در زندگی اجتماعی، زندگی حرفه‌ای و علایق شخصی)، مسائل خانوادگی (مشاجره زن و شوهر بر سر تربیت فرزندان، کم‌رنگ‌شدن روابط زن و شوهر) و زحمات جسمی (اضافه‌شدن کارهای خانگی، کم‌خوابی، خستگی و ...) سنجیده است (Fawcett, 1974).

#### ملاحظات روشی

برای انجام این پژوهش از روش پیمایش استفاده شده است. بدین‌منظور از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش را زنان همسر دار ۴۹-۱۵ ساله ساکن شهر شیراز تشکیل می‌دهند که تعداد آن‌ها برابر با ۳۲۹۶۱۷ نفر است. حجم نمونه با استفاده از جدول لین در سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۰/۰۵ برابر با ۳۸۱ نفر برآورد شده است. برای انتخاب نمونه از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است، بدین‌صورت که ابتدا با استفاده از چارچوب نمونه‌گیری (مناطق، حوزه‌ها) موجود از مناطق ۶ گانه شهر شیراز از ۴۶۶ حوزه موجود در مجموع ۱۷ حوزه؛ سپس در هر حوزه، خانوارها به‌صورت تصادفی انتخاب و در نهایت ۴۰۰ پرسشنامه جمع‌آوری شد.

متغیر وابسته پژوهش، نگرش نسبت به ارزش فرزندان است که شامل طیفی با ۴۱ گویه است. پرسش‌ها به‌صورت

هزینه‌های احساسی، تداوم خانواده، کسب هویت با فرزندان، تقویت و توسعه خود، هزینه‌های اقتصادی، منافع اقتصادی، محدودیت‌ها و هزینه‌های فرصت ازدست‌رفته ساخته شدند. در عامل منافع احساسی، گویه‌های فرزندان، مونس و همدم والدین هستند، با مقدار بار عاملی  $0/618$  و فرزندان باعث نشاط زندگی می‌شوند، با بار عاملی  $0/602$  که نشان‌دهنده رضای عاطفی فرزندان برای والدین هستند، بیشترین مقادیر بار عاملی را برای ارزش منافع احساسی داشتن فرزند نشان می‌دهند. گویه‌های فرزندان موجب می‌شوند زن و شوهر کمتر به هم توجه کنند با بار عاملی  $0/670$ ، فرزندان برای والدین ایجاد نگرانی می‌کنند با مقدار عاملی  $0/654$  بیشترین همبستگی را با عامل هزینه‌های احساسی نشان دادند. دسته‌بندی فاوست در ارزش عمومی پیوستگی و تداوم خانواده بر این نکته تأکید دارد که فرزندان به تقویت و پیوند ازدواج والدین کمک می‌کنند، فرجام طبیعی ازدواج هستند و نام و سنت‌های خانواده را ادامه می‌دهند. در این پژوهش، گویه‌هایی که بیشترین همبستگی را نشان می‌دهند، عبارتند از بچه‌ها تنها یادبود والدین هستند، وارث خانواده هستند، بدون فرزند، خانواده تکمیل نمی‌شود و زندگی مشترک با فرزند، بیشتر تداوم دارد، با مقادیر بار عاملی به ترتیب  $0/662$ ،  $0/620$ ،  $0/613$  و  $0/605$  تأییدی بر تعریف فاوست از ارزش عمومی پیوستگی و تداوم خانواده است. عامل کسب هویت با فرزندان نیز مطابق تعریف فاوست از این ارزش شامل ۳ گویه پیشرفت و تربیت خوب فرزندان باعث سربلندی و افتخار والدین است، والدین از تماشای بزرگ‌شدن فرزندان لذت می‌برند و باعث امیدواری والدین به زندگی می‌شوند با بارهای عاملی به ترتیب  $0/823$ ،  $0/780$ ، و  $0/674$  همبستگی خوبی را با این عامل نشان دادند.

عامل تقویت و توسعه خود شامل گویه‌های فرزندان باعث افزایش اعتماد به نفس در والدین می‌شوند، باعث می‌شوند والدین از طعنه و کنایه مردم در امان باشند، باعث زیاده‌تر شدن اقوام می‌شوند، حس مسئولیت‌پذیری والدین را بالا می‌برند، ارضاکنده‌ی غریزه پدر و مادری هستند که همبستگی خوبی را نشان می‌دهند و مؤید تعریف فاوست از این ارزش مثبت

سال و گروه سنی ۲۴-۲۰ سال بیشترین درصد گروه سنی ازدواج با رقم  $44/2$  درصد است.  $41/1$  درصد از شوهران پاسخگویان در فاصله سنی ۲۹-۲۵ سال ازدواج کرده‌اند و میانگین سن ازدواج میان آن‌ها  $26/35$  سال است. میانگین مدت ازدواج جمعیت نمونه،  $14/35$  سال است. از مجموع پاسخگویان، ۱۴ درصد متولد روستا و ۸۶ درصد را متولدان شهر تشکیل می‌دهند.  $80/7$  درصد از زنان خانه‌دار و  $19/3$  درصد شاغل هستند.  $40/7$  درصد پاسخگویان، تحصیلات دیپلم و کمتر و  $28/3$  درصد از آنان تحصیلات لیسانس و بالاتر دارند. از بین همسران پاسخگویان،  $42/1$  درصد، مدرک تحصیلی دیپلم و کمتر و  $33/8$  درصد، مدرک لیسانس و بالاتر دارند. بیشترین درصد پاسخگویان ( $92/3$  درصد) خود را به طبقه اجتماعی متوسط متعلق می‌دانند. میانگین باروری واقعی  $2/09$  فرزند است.  $69/6$  درصد از پاسخگویان، داشتن ۲ فرزند را ایدئال می‌دانند.

در جدول ۱ ساختار مؤلفه‌های اصلی، مقدار ارزش ویژه، درصد واریانس تبیین‌شده با هر مؤلفه نشان داده شده است. برای این منظور از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده شده است. تحلیل مؤلفه‌های اصلی برای هر یک از ابعاد متغیر ارزش فرزندان به صورت جداگانه و تنها با یک عامل انجام شده است؛ زیرا هدف پژوهشگر در مطالعه حاضر، استفاده از بار عاملی گویه‌های مختلف برای محاسبه نمره کل هر یک از ابعاد ارزش فرزندان (مؤلفه‌های مختلف) به صورت جداگانه بوده است؛ بنابراین مقیاس هر کدام از مؤلفه‌ها در ارتباط با صد در نظر گرفته شده است تا نشان دهد در هر کدام از مؤلفه‌ها، گویه‌های موجود چه سهمی از واریانس ممکن ( $100$ ) از مؤلفه اصلی را می‌توانند تبیین کنند؛ بنابراین جمع واریانس‌های تبیین‌شده در ستون آخر در هر مؤلفه با مؤلفه‌های دیگر ارتباطی ندارد و هر کدام کسر از صد را در متغیر مربوط نشان می‌دهند؛ بنابراین هر کدام از مؤلفه‌ها به صورت مجزا مدنظر قرار گرفته‌اند و تأکید اصلی بر بار عاملی گویه‌ها است. نتایج به دست آمده از تحلیل مؤلفه‌های اصلی مطابق با دسته‌بندی فاوست (1974) از ارزش فرزندان، ۸ عامل با ارزش ویژه بزرگ‌تر از یک شامل منافع احساسی،



از دست‌رفته به فرصت‌هایی اشاره دارد که والدین در زندگی اجتماعی، حرفه‌ای و علائق شخصی بعد از بچه‌دار شدن از دست می‌دهند. این عامل در این پژوهش با گویه‌های فرزندان، فرصت زنان را برای حضور در اجتماعات مختلف از بین می‌برد، مانع کارکردن مادر در خارج از خانه می‌شوند، رفاه مادی زن و شوهر را کاهش می‌دهند و باعث محدود شدن اوقات فراغت والدین می‌شوند، بیان شده است که با توجه به بارهای عملی‌شان، همبستگی خوبی را با عامل هزینه‌های فرصت از دست‌رفته نشان می‌دهند. تعداد عامل‌ها و بارهای متغیرهایی که روی این عامل‌ها اندازه‌گیری شده‌اند، با آنچه بر اساس تئوری و مدل نظری فاوست انتظار می‌رفت، انطباق دارد.

فرزندان است. در دسته‌بندی فاوست، ارزش منفی هزینه‌های اقتصادی فرزندان با مخارج فرزندان در تغذیه، پوشاک، آموزش و ... تعریف شده است. در این پژوهش، عامل هزینه‌های اقتصادی با گویه‌هایی که به مخارج و هزینه‌های فرزندان در تحصیل، پوشاک، تهیه غذا و بزرگ کردن فرزندان و بیمار شدن فرزندان با بارهای عاملی ۰/۸۷۵، ۰/۸۹۵، و ۰/۸۵۹ با این تعریف منطبق هستند. گویه‌های فرزندان در زمان ناتوانی والدین از آن‌ها مراقبت می‌کنند با بار عاملی ۰/۷۳۷، عصای والدین به وقت پیری هستند با مقدار عاملی ۰/۷۱۵، در حل مشکلات خانه کمک می‌کنند با بار عاملی ۰/۷۰۴ بیشترین مقادیر عاملی را در عامل منافع اقتصادی به خود اختصاص دادند. عامل محدودیت‌ها و هزینه‌های فرصت

جدول ۱- بار عاملی، ارزش ویژه و درصد واریانس تبیین شده با روش مؤلفه‌های اصلی

عوامل و مواد	بار عاملی	ارزش ویژه	درصد واریانس تبیین شده
<b>منافع احساسی</b>			
فرزندان مونس و همدم والدین هستند.	۰/۶۱۸		
باعث نشاط زندگی می‌شوند.	۰/۶۰۲	۲/۴۲	
سرگرم‌کننده هستند.	۰/۵۹۷		۳۵/۳۱
نداشتن بچه شکست بزرگی است.	۰/۵۹۱		
آدم بدون بچه تنهاست.	۰/۵۸۷		
زندگی بدون بچه یکنواخت است.	۰/۵۱۵		
داشتن خواهر و برادر برای بچه خوب است.	۰/۳۴۵		
آزمون بارتلت = ۲۶۷، معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ - کی ام او = ۰/۷۱	مجموع واریانس		۱۰۰
<b>هزینه احساسی</b>			
موجب می‌شوند زن و شوهر کمتر به هم توجه کنند.	۰/۶۷۰	۱/۶۵	
فرزندان برای والدین ایجاد نگرانی می‌کنند.	۰/۶۵۴		۴۱/۳۸
والدین ممکن است بر سر تربیت فرزندان مشاجره کنند.	۰/۶۲۷		
باعث برهم خوردن آرامش زن و شوهر می‌شوند.	۰/۶۲۲		
آزمون بارتلت = ۱۰۴، معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ - کی ام او = ۰/۷۲	مجموع واریانس		۱۰۰
<b>تداوم خانواده</b>			
بچه‌ها تنها یادبود والدین هستند.	۰/۶۶۲		
وارث خانواده هستند.	۰/۶۲۰		
بدون فرزند خانواده تکمیل نمی‌شود	۰/۶۱۳	۲/۴۶	
زندگی مشترک با بچه بیشتر تداوم دارد.	۰/۶۰۵		۳۰/۸۲
باعث ادامه نسل می‌شوند.	۰/۵۷۹		
باعث ایجاد صمیمیت بیشتر بین زن و شوهر می‌شوند.	۰/۵۲۷		
ازدواج برای داشتن بچه است.	۰/۴۹۴		
آزمون بارتلت = ۳۴۶، معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ - کی ام او = ۰/۷۳	مجموع واریانس		۱۰۰

کسب هویت با فرزندان			
۵۶/۸۱	۱/۷۰	۸۲۳/۷۸۰/۶۴۷	پیشرفت و تربیت خوب بچه‌ها باعث سربلندی و افتخار والدین است. والدین از تماشای بزرگ‌شدن فرزندان لذت می‌برند. باعث امیدواری والدین به زندگی می‌شوند آزمون بارتلت = ۱۴۹، معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ - کی ام او = ۰/۶۵
مجموع واریانس ۱۰۰			
تقویت و توسعه خود			
		۷۴۳/۶۶۹/۶۰۷/۵۹۹/۵۶۲/۴۷۲/۳۹۴	باعث افزایش اعتماد به نفس در والدین می‌شوند. باعث می‌شوند از طعنه و کنایه مردم در امان باشیم. باعث زیادتر شدن اقوام می‌شوند. حس مسئولیت‌پذیری والدین را افزایش می‌دهند. ارضاکنده غریزه پدری و مادری هستند. کسی که فرزند ندارد اجاقش کور است. داشتن فرزندی از هر دو جنس خوب است.
۳۴/۵۸	۲/۴۲		آزمون بارتلت = ۳۳۳، معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ - کی ام او = ۰/۷۶
مجموع واریانس ۱۰۰			
هزینه اقتصادی			
۷۶/۸۵	۲/۳۰۵	۸۹۵/۸۷۵/۸۵۹	مخارج تحصیل فرزندان زیاد است. مخارج تهیه غذا، پوشاک و بزرگ‌کردن فرزندان زیاد است. بیمارشدن بچه‌ها مشکل‌آفرین و هزینه‌بر است. آزمون بارتلت = ۵۱۳، معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ - کی ام او = ۰/۷۳
مجموع واریانس ۱۰۰			
منافع اقتصادی			
		۷۳۷/۷۱۵/۷۰۴/۶۹۵/۶۷۵/۵۷۷	فرزندان در زمان ناتوانی والدین از آن‌ها مراقبت می‌کنند. عصای والدین به وقت پیری هستند. در حل مشکلات خانه کمک می‌کنند. در کارهای خانه به زن و شوهر کمک می‌کنند. در محیط کار به والدین کمک می‌کنند. بچه‌ها کمک خرج خانواده هستند.
۴۰/۸۷	۲/۸۶		آزمون بارتلت = ۵۰۰، معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ - کی ام او = ۰/۸۲
مجموع واریانس ۱۰۰			
محدودیت‌ها و هزینه‌های فرصت ازدست‌رفته			
		۸۰۲/۷۰۳/۶۰۱/۵۴۲	فرصت زنان را برای حضور در اجتماعات مختلف از بین می‌برند. مانع کارکردن مادر در خارج از خانه می‌شوند. رفاه مادی زن و شوهر را کاهش می‌دهند. باعث محدود شدن اوقات فراغت والدین می‌شوند.
۴۴/۸۱	۱/۷۹		آزمون بارتلت = ۱۵۹، معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ - کی ام او = ۰/۶۷
مجموع واریانس ۱۰۰			

ازدواج زن و سن ازدواج همسر با منافع اقتصادی (به‌ترتیب  $r = -/۱۱۶$ ،  $r = -/۱۳۲$ ) و تداوم خانواده ( $r = -/۱۸۰$ ،  $r = -/۲۱۲$ ) رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. در واقع برای افرادی که دیرتر ازدواج کرده‌اند، منافع اقتصادی داشتن فرزند و ارزش فرزند برای تداوم خانواده کم‌رنگ‌تر است. رابطه معنی‌دار و مثبت ( $r = /۱۱۲$ ) بین سن ازدواج شوهر و هزینه‌های احساسی وجود دارد. سن ازدواج پاسخگو با منافع احساسی، رابطه معنی‌دار و معکوسی ( $r = -/۱۱۲$ ) را نشان می‌دهد. رابطه

در جدول ۲ همبستگی بین متغیرهای مستقل با مقوله‌های ارزش فرزند گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهند همبستگی مثبت و معنی‌داری بین سن زن با عوامل منافع اقتصادی ( $r = /۱۵۱$ ) و تقویت و توسعه خود ( $r = /۰۹۹$ ) مشاهده می‌شود. بین سن شوهر و منافع اقتصادی، همبستگی معنی‌دار و مثبتی ( $r = /۱۲۷$ ) وجود دارد. اگرچه این رابطه ضعیف است؛ بدین معنی است که در زنان و مردان مسن‌تر به منافع اقتصادی فرزند بیشتر توجه می‌شود. بین متغیرهای سن

اطلاعات جدول همچنین نشان‌دهنده همبستگی منفی بین درآمد با منافع احساسی ( $r = -/۱۷۲$ )، منافع اقتصادی ( $r = -/۱۷۴$ )، تقویت و توسعه خود ( $r = -/۱۵۲$ )، کسب هویت با فرزندان ( $r = -/۱۲۹$ ) و تداوم خانواده ( $r = -/۱۷۵$ ) هستند. همبستگی مثبت بین نگرش نسبت به تعداد ایدئال فرزند با منافع اقتصادی ( $r = ۰/۱۴۱$ ) و تقویت و توسعه خود ( $r = ۰/۱۰۵$ ) بیان می‌کند که هرچه منافع اقتصادی فرزند داشته باشد، تقویت و توسعه خود با اهمیت‌تر باشد، زنان، تعداد فرزند بیشتری را مطلوب می‌دانند. منافع احساسی داشتن فرزند با تعداد ایدئال فرزند، رابطه منفی ( $r = -/۱۶۸$ ) را نشان می‌دهد. رابطه مثبت بین باروری واقعی و منافع اقتصادی ( $r = ۰/۲۱۲$ ) نشان می‌دهد زنانی که برای منافع اقتصادی فرزند ارزش بیشتری قائل هستند، تعداد فرزند زنده متولدشده‌شان بیشتر است.

مثبت و معنی‌دار بین مدت ازدواج و منافع اقتصادی ( $r = ۰/۲۱۶$ ) و تقویت و توسعه خود ( $r = ۰/۱۱۳$ ) نشان می‌دهد در زوج‌هایی که از ازدواج آن‌ها بیشتر گذشته است و به عبارتی، از نسل‌های ازدواج قدیمی‌تر هستند، مقوله ارزش منافع اقتصادی فرزند و داشتن فرزند برای دستیابی به تقویت و توسعه خود برجسته‌تر است. مدت ازدواج با منافع احساسی ( $r = -/۱۰۴$ ) و تداوم خانواده ( $r = -/۲۰۷$ ) رابطه معکوس و معنی‌داری را نشان می‌دهد. بین تحصیلات پاسخگو با منافع احساسی (به ترتیب  $r = -/۱۷۵$ ،  $r = -/۱۷۲$ )، منافع اقتصادی ( $r = -/۳۳۸$ ،  $r = -/۲۳۴$ )، تقویت و توسعه خود ( $r = -/۲۰۷$ )،  $r = -/۱۹۶$ ) و تداوم خانواده ( $r = -/۲۸۲$ ،  $r = -/۲۵۴$ ) رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد؛ به عبارت دیگر، این نتیجه نشان می‌دهد هرچه تحصیلات زوج‌ها افزایش پیدا می‌کند، مقوله‌های ارزش فرزندان اهمیت کمتری می‌یابد؛ به عبارت دیگر، افراد تحصیلکرده نسبت به افراد با تحصیلات پایین و یا بی‌سواد، ارزش کمتری برای فرزند قائل هستند.

جدول ۲- همبستگی بین متغیرهای جمعیتی و اجتماعی- اقتصادی با عوامل ارزش فرزندان

متغیر وابسته	منافع احساسی		هزینه احساسی		منافع اقتصادی		تقویت و توسعه خود		کسب هویت با فرزندان		تداوم خانواده	
	R	sig	R	sig	R	sig	r	Sig	r	Sig	r	Sig
سن زن	۰/۶۸	۰/۱۷۴	۰/۴۴	۰/۳۷۹	۰/۱۵۱**	۰/۰۰۲	۰/۰۹۹**	۰/۰۴۷	۰/۰۹۲	۰/۰۶۴	۰/۰۶۹	۰/۱۶۶
سن شوهر	-۰/۶۷	۰/۱۸۱	۰/۰۸۹	۰/۰۷۳	۰/۱۲۷*	۰/۰۱۱	۰/۰۹۲	۰/۰۶۴	۰/۰۲۳	۰/۰۹۳	۰/۰۶۸	۰/۱۷۲
سن ازدواج	-۰/۱۱۲*	۰/۰۲۴	۰/۰۳۷	۰/۴۵۱	۰/۲۱۱**	۰/۰۰۰	-۰/۰۸۱	۰/۱۰۴	۰/۱۴۹	۰/۷۷۵	-۰/۱۳۲*	۰/۰۰۸
سن ازدواج شوهر	-۰/۰۹۶	۰/۰۵۵	۰/۱۱۲*	۰/۰۲۵	-	۰/۰۰۰	-۰/۰۶۹	۰/۱۶۹	-۰/۰۹۶	۰/۰۵۵	-۰/۱۱۶*	۰/۰۲۰
مدت ازدواج	-۰/۱۰۴*	۰/۰۳۷	۰/۰۱۴	۰/۷۹۳	۰/۱۸۰**	۰/۰۰۰	۰/۱۱۳*	۰/۰۲۳	۰/۰۸۰	۰/۱۱۱	۰/۲۰۷**	۰/۰۰۰
تحصیلات زن	-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۹۳۵	-	۰/۰۰۰	۰/۲۰۷**	۰/۰۰۰	-۰/۰۹۷	۰/۰۵۱	-	۰/۰۰۰
تحصیلات شوهر	-	۰/۰۰۱	۰/۰۴۳	۰/۳۱۹	۰/۲۱۶**	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰	۰/۱۱۶*	۰/۰۲۰	۰/۲۸۲**	۰/۰۰۰
درآمد خانواده	-۰/۱۷۲*	۰/۰۰۱	۰/۰۵۹	۰/۲۴۹	۰/۳۳۸**	۰/۰۰۱	۰/۱۹۶**	۰/۰۰۳	-	۰/۰۱۲	-	۰/۰۰۱
تعداد ایدئال فرزند	-	۰/۰۰۱	۰/۰۵۸	۰/۲۵۲	-	۰/۰۰۵	-	۰/۰۳۶	۰/۱۲۹*	۰/۰۷۰	۰/۲۵۴**	۰/۱۷۸
باروری واقعی	-	۰/۳۵۷	۰/۰۸۲	۰/۱۲۶	۰/۲۳۴**	۰/۰۰۰	-۰/۱۵۲*	۰/۲۰۵	-	۰/۹۸۶	-	۰/۱۰۳
	-						۰/۱۰۵*		۰/۰۹۱		-۰/۱۷۵*	
	-						۰/۰۶۸		۰/۰۵۱		۰/۰۶۸	
	-										۰/۰۸۸	
	-											۰/۱۴۱**
	-											۰/۲۱۲**

\*\*P-Value ≤ ۰/۰۱ \* P-Value ≤ ۰/۰۵

به تفصیل بیشتری مدنظر قرار گرفته است. در جدول شماره ۳

در ادامه، رابطه بین متغیرهای مستقل و ارزش فرزندان

منافع احساسی داشتن فرزندان برای زنانی، که در سنین پایین‌تر ازدواج کرده‌اند، نسبت به زنانی که سن ازدواج بالاتری دارند، بیشتر است. نگاهی به مقادیر بار عاملی که ابتدا بیان شد، احتمال این فرضیه را تقویت می‌کند که مفهوم عشق و عاطفه برای والدین در انتخاب داشتن فرزند پرننگ‌تر شده است. چنانچه در بعد نشاط و همدمی که نزدیک‌ترین معنا را به منابع عاطفی محض دارد، بالاترین مقدار عاملی  $۰/۶۱۸$  و  $۰/۶۰۲$  را در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها، که بیشتر جنبه احساسی - اجتماعی را نشان می‌دهد، کسب کرده‌اند؛ بنابراین امکان ظهور نگرش‌های احساسی و عشق‌ورزی بدون داشتن فرزند در سطح پایینی خواهد بود و داشتن فرزند، منبعی برای تأمین نیازهای احساسی خواهد بود. با افزایش سن ازدواج شوهر، نگرانی زنان درباره هزینه‌های احساسی فرزندان بیشتر می‌شود.

میانگین متغیرهای ارزش فرزندان برحسب سن ازدواج زن و شوهر نشان داده شده است. هرچه سن ازدواج زن و شوهر بالاتر می‌رود، زنان به منافع اقتصادی فرزندان کمتر توجه می‌کنند. سن ازدواج متأثر از فرصت‌های پیشرفت و سال‌های صرف‌شده برای کسب تحصیل و یا رسیدن به جایگاه شغلی و اقتصادی بهتر است. به همین دلیل ازدواج در سنین بالاتر به معنی وجود شرایط اقتصادی مطلوب‌تر برای داشتن فرزند است؛ بنابراین ارزش منافع اقتصادی فرزند برای کسانی که در سنین بالاتر ازدواج کرده‌اند، کمتر اهمیت دارد.

تمایل به داشتن فرزند برای تداوم خانواده، یکی از مؤلفه‌های اساسی کارکرد خانواده در اجتماع است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند درک زنان از ارزش کودکان برای تداوم خانواده با افزایش سن ازدواج کاهش می‌یابد. درک

جدول ۳- میانگین متغیرهای ارزش فرزندان برحسب سن ازدواج

میانگین هزینه‌های احساسی	میانگین منافع احساسی	میانگین تداوم خانواده	میانگین منافع اقتصادی	گروه سنی	
-	۴/۱۳	۳/۸۷	۳/۴۸	۱۵-۱۹	سن ازدواج زن
-	۴/۰۷	۳/۷۳	۳/۲۷	۲۰-۲۴	
-	۳/۹۹	۳/۶۳	۳/۰۸	۲۵-۲۹	
-	۳/۹۷	۳/۶۰	۳/۱۹	۳۰-۳۴	
-	۴/۱۷	۳/۳۵	۲/۸۳	۳۵-۳۹	
۳/۲۸	-	۳/۹۷	۳/۷۳	۱۵-۱۹	سن ازدواج شوهر
۳/۲۴	-	۳/۸۷	۳/۴۵	۲۰-۲۴	
۳/۳۳	-	۳/۷۰	۳/۳۱	۲۵-۲۹	
۳/۴۶	-	۳/۷۱	۳/۱۲	۳۰-۳۴	
۳/۲۹	-	۳/۹۱	۳/۳۰	۳۵-۳۹	
۳/۵۶	-	۳/۶۶	۳/۴۰	۴۰-۴۴	
۳/۵۰	-	۳/۰۴	۲/۶۲	۴۵-۴۹	

افزایش می‌یابد، منافع ناشی از داشتن فرزند در سطح منافع اقتصادی، تداوم خانواده، تقویت و توسعه خود، منافع احساسی و کسب هویت کم‌اهمیت‌تر می‌شود، نشان می‌دهد هرچه سطح تحصیلات والدین افزایش می‌یابد، وابستگی والدین به فرزندان به‌صورت عصای وقت پیری و یا کمک

جدول ۴ میانگین متغیرهای ارزش فرزندان را به همراه تحصیلات زنان و شوهرانشان و درآمد خانواده گزارش می‌دهد. بر اساس اطلاعات جدول، برای زنانی که تحصیلات بالاتر دارند، درک منافع ارزش فرزندان، میانگین کمتری دارد. وجود رابطه معکوس، که هرچه سطح تحصیلات زن و شوهر

پیوند و وابستگی‌های سنتی تفسیر کرد. تا جایی که با افزایش درآمد و امکان استفاده از امکانات فرهنگی چون مسافرت، کسب مهارت، معاشرت‌های فراخویشاوندی، والدین، تمایل بیشتری برای توسعه خود و کسب اعتماد به نفس با خودشکوفایی فردی نشان می‌دهند تا کسب این اعتماد به نفس با داشتن فرزند. این تجربه به دلیل انتخاب گزینه‌های متنوع در دسترس با افزایش درآمد مفهوم داشتن فرزند برای نفس وجود فرزند و عشق‌ورزی و نه در امان ماندن از تنهایی و طعنه و کنایه‌های اجتماعی چون کوری اجاق را تقویت می‌کند. همچنین با افزایش درآمد، مفهوم کارکردی منافع اقتصادی فرزند برای خانواده رنگ می‌بازد و با وجود منابع درآمدی مناسب، ارزش نیروی یدی فرزند و کمک خرج بودن وی برای دوران ناتوانی و تأمین مالی والدین کاهش می‌یابد. والدین با امکان خرید فرصت‌های پیشرفت برای خود بیشتر تمایل می‌یابند داشتن فرزند را نه برای کسب منافع اقتصادی و یا افتخاری که از قبال پیشرفت و تربیت خوب فرزند به دست می‌آورند، خواهان باشند؛ ارزش فرزند، تجربه والدی محض و لذت از این تجربه را جایگزین نگرش متداول اجتماعی کرده است که فرزند را ادامه هويت فرد در اجتماع و تداوم خانواده می‌داند.

خرج خانواده بودن کم‌رنگ می‌شود. افزایش سطح تحصیلات همسر، ابراز هویت زنان با فرزندان را کاهش می‌دهد. رابطه معکوس بین سطح تحصیلات با ارزش تداوم خانواده و تقویت و توسعه خود ناشی از تأثیری است که تحصیلات بیشتر زنان و شوهرانشان در کم‌رنگ کردن ارزش‌های سنتی (خواستن فرزند برای ادامه نسل، این تصور که بدون فرزند خانواده تکمیل نمی‌شود، مهم بودن طعنه و کنایه مردم و یا کسب اعتماد به نفس با داشتن فرزند و ...) ایجاد می‌کند. هرچه سطح تحصیلات زنان و همسرانشان پایین‌تر باشد، وابستگی زنان به فرزندان برای تداوم بخشیدن به پیوند زن و شوهر، هویت‌یابی با پیشرفت فرزندان، تقویت و توسعه خود با داشتن فرزند به دلیل در دست نداشتن سرمایه‌های فرهنگی چون تحصیلات بالاتر و به تبع آن فرصت‌های شغلی بهتر و پیشرفت کافی افزایش می‌یابد. مطابق یافته‌های جدول هرچه سطح درآمد خانواده بالاتر می‌رود، مفهوم کارکردی ارزش فرزندان در ارتباط با تداوم خانواده، کسب هویت با فرزندان، تقویت و توسعه خود، منافع اقتصادی و احساسی برای مادر کاهش می‌یابد و این را باید با در نظر گرفتن دسترسی به امکانات جایگزین برای توسعه و خودشکوفایی فرد خارج از

جدول ۴- میانگین متغیرهای ارزش فرزندان برحسب تحصیلات و درآمد خانواده

میانگین کسب هویت با فرزندان	میانگین منافع احساسی	میانگین تقویت و توسعه خود	میانگین تداوم خانواده	میانگین منافع اقتصادی	
-	۴/۱۹	۴/۰۴	۴/۰۲	۳/۷۱	زیر دیپلم
-	۴/۱۴	۳/۹۰	۳/۸۲	۳/۳۹	تحصیلات زن دیپلم
-	۳/۹۵	۳/۷۳	۳/۵۵	۳/۰۵	دانشگاهی
۴/۶۰	۴/۲۱	۴/۰۶	۴/۰۴	۳/۵۳	زیر دیپلم
۴/۵۳	۴/۱۰	۳/۸۶	۳/۷۸	۳/۴۶	تحصیلات شوهر دیپلم
۴/۴۳	۴	۳/۷۷	۳/۶۲	۳/۱۴	دانشگاهی
۴/۵۴	۴/۱۳	۳/۹۱	۳/۸۴	۳/۴۳	کمتر از ۸۰۰
۴/۴۶	۴/۰۴	۳/۸۱	۳/۶۶	۳/۱۷	هزار تومان
۴/۳۵	۳/۸۶	۳/۷۶	۳/۵۵	۳/۱۹	بین ۸۰۰ هزار تومان تا ۲ میلیون تومان
					بالاتر از ۲ میلیون تومان

دربارهٔ عامل‌های تقویت و توسعهٔ خود و تداوم خانواده مشاهده می‌شود. میانگین نمرهٔ عامل تقویت و توسعهٔ خود و تداوم خانواده زنان روستایی بیشتر است. فرزند به‌دلیل تقویت و توسعهٔ خود و تداوم خانواده، ارزش بیشتری نزد زنان روستایی دارد.

جدول ۵ یافته‌های آزمون تفاوت میانگین مؤلفه‌های ارزش فرزند را برحسب محل تولد پاسخگو نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهند میانگین منافع اقتصادی فرزند در بین زنانی که در روستا متولد شده‌اند، بیشتر از زنان متولد شهر است. همچنین تفاوت معنی‌داری بین زنان متولد شهر و روستا

جدول ۵- آزمون تفاوت میانگین عوامل ارزش فرزند برحسب محل تولد

متغیر	محل تولد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی‌داری
منافع اقتصادی	شهر	۳۴۸	۳/۲۸	/۷۶۸	۳/۲۹۰	/۰۰۱
	روستا	۵۶	۳/۶۵	/۷۴۳		
تقویت و توسعهٔ خود	شهر	۳۴۸	۳/۸۴	/۶۱۹	۲/۳۳۱	/۰۲۰
	روستا	۵۷	۴/۰۴	/۵۶۸		
تداوم خانواده	شهر	۳۴۸	۳/۷۳	/۶۳۷	۲/۱۶۶	/۰۳۱
	روستا	۵۶	۳/۹۳	/۶۵۵		

فرزند نیز در بین زنان خانه‌دار (۴/۱۲) بیشتر از زنان شاغل (۳/۹۱) است. منافع اقتصادی و احساسی فرزند برای زنان خانه‌دار در مقایسه با زنان شاغل، اهمیت بیشتری دارد.

جدول ۶ نشان می‌دهد تفاوت معنی‌داری بین منافع اقتصادی فرزند نزد زنان شاغل و خانه‌دار وجود دارد. مقدار میانگین منافع اقتصادی فرزند برای زنان شاغل (۳/۰۴) بوده که کمتر از زنان خانه‌دار (۳/۴۰) است. میانگین منافع احساسی

جدول ۶- آزمون تفاوت میانگین عوامل ارزش فرزند برحسب وضعیت اشتغال

متغیر	وضعیت اشتغال	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی‌داری
منافع اقتصادی	شاغل	۷۸	۳/۰۴	/۸۶۱	۳/۷۶۴	/۰۰۰
	خانه‌دار	۳۲۶	۳/۴۰	/۸۳۳		
منافع احساسی	شاغل	۷۸	/۵۸۱	/۵۸۱	۲/۷۶۸	/۰۰۶
	خانه‌دار	۳۲۷	/۶۰۳	/۶۰۳		

هزینه‌های احساسی (sig= /۰۱۷) با طبقهٔ اجتماعی که پاسخگو، خود را متعلق به آن می‌داند، رابطهٔ معناداری وجود دارد. بین عامل هزینه‌های اقتصادی فرزند و طبقهٔ اجتماعی پاسخگو نیز رابطهٔ معناداری (sig= /۰۰۰) وجود دارد.

در جدول ۷ نتایج آزمون مقایسهٔ میانگین عوامل ارزش فرزندان و طبقهٔ اجتماعی خوداظهاری گزارش شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان بین عامل هزینه‌های فرصت ازدست‌رفته (sig= /۰۲۷) و عامل

همانطور که در جدول دیده می‌شود میانگین هزینه‌های فرصت ازدست‌رفته، هزینه‌های اقتصادی و هزینه‌های احساسی، در طبقات بالا، کمترین و در طبقات پایین، بیشترین است.

جدول ۷- آزمون مقایسه میانگین عوامل ارزش فرزندان برحسب طبقه اجتماعی خوداظهار

طبقه خوداظهار	میانگین محدودیت‌ها و هزینه‌های فرصت ازدست‌رفته	میانگین هزینه‌های احساسی	میانگین هزینه‌های اقتصادی
بالا	۲/۹	۳/۳۳	۳/۵۲
متوسط	۲/۹۷	۳/۳۰	۴/۱۸
پایین	۳/۶	۳/۹	۴/۶
مقدار F	۳/۶۶	۴/۱۰	۸/۱۳
سطح معناداری	/۰۲۷	/۰۱۷	/۰۰۰

### بحث و نتیجه

این پژوهش، نگرش زنان را درباره ارزش فرزندان مطالعه کرد. به‌طور کلی عامل‌های ایجادشده با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی، با توجه به دسته‌بندی فاوست (1974) از ارزش فرزندان مطابقت داشت. همچنین رابطه متغیرهای ساخته‌شده از این عامل‌ها با متغیرهای زمینه‌ای و اجتماعی-اقتصادی بررسی شد.

مطابق یافته‌های پژوهش، متغیرهای جمعیتی، سن زن، سن شوهر، سن ازدواج، مدت ازدواج، تعداد ایدئال فرزند و باروری واقعی همگی با منافع اقتصادی، رابطه معنی‌داری دارند. با افزایش سن، سال‌های مدت ازدواج، تعداد ایدئال فرزند و باروری واقعی، ارزش منافع اقتصادی فرزندان بیشتر می‌شود. سن ازدواج زن و شوهر با منافع اقتصادی داشتن فرزندان، رابطه معکوس دارد؛ یعنی با افزایش سن ازدواج، داشتن فرزند نه ابزاری برای منافع بیشتر اقتصادی چون افزایش نیروی کار خانواده یا تکیه‌گاه دوران پیری یا کمک خرج بودن خواسته می‌شوند؛ تمایل به داشتن فرزند در سنین ازدواج بالاتر به معنی وجود تأمین مالی مناسب‌تر و آینده‌نگرتر برای رشد بهتر فرزندان است که باعث کاهش ارزش منافع اقتصادی و تکیه بر نیروی کار فرزند می‌شود. این یافته، که زنان، کسب منافع احساسی بیشتر را در تعداد فرزند ایدئال کمتری می‌دانند، با نتیجه پژوهش عباسی شوازی و

همکاران (۱۳۸۳) مطابقت دارد. هرچه سن ازدواج زن و شوهر و مدت ازدواج بیشتر باشد، ارزش فرزند برای تداوم‌دادن خانواده کاهش پیدا می‌کند و فرزند، جذابیت خود را به‌صورت کالایی برای ادامه نسل، تکلیف شرعی یا اجتماعی و یا گزینه‌ای برای پیوند والدین به یکدیگر و تداوم خانواده از دست می‌دهد. با افزایش سن ازدواج زن، میانگین منافع احساسی برای زنان کاهش می‌یابد و همچنین هرچه سن ازدواج شوهرانشان بیشتر باشد، هزینه‌های احساسی ناشی از داشتن فرزند برای زنان بیشتر می‌شود.

در این پژوهش، منافع احساسی، متشکل از مؤلفه‌هایی است که بیشترین بار پیوندهای عاطفی سستی چون شاخص‌های همدلی، ابزار سرگرمی و... را ارزیابی می‌کنند که محور نشاطبخشی، پرهیز از تنهایی، یکنواختی و شکست در زندگی است؛ بنابراین تأخیر در سن ازدواج، متغیری تبیین‌گر در تفسیر جهت‌گیری عاطفی مدرن والدین قلمداد می‌شود که با ازدواج در سنین بالا، ارزش فرزندان را در مفهومی فراتر از ابزارهای ابراز خود و یا تأمین عاطفی و تنهایی جستجو می‌کنند. با افزایش سن ازدواج، زنان، درک مفاهیمی از ابراز عشق و عاطفه را می‌یابند که نشان‌دهنده تمایل والدین به ارزش صرف عاطفی تولید مثل، فراتر از کارکردهای بیرونی آن مانند پرهیز از تنهایی و شکست در زندگی و... است. با افزایش سن زن و مدت ازدواج، درک مادران از فرزندان خود

پیشرفت برای خود، والدین بیشتر تمایل می‌یابند افتخار را از کسب مهارت و پیشرفت خود کسب کنند، نه اینکه این افتخار را از قبال پیشرفت و تربیت ایدئال فرزند به دست آورند. این روزنه، دستاوردی در نگرش تربیتی والدین خواهد بود که به تبع آن فضا برای رشد فرزندان در زمینه‌های علایق خودخواسته آن‌ها بیشتر مهیا شود. با افزایش درآمد، قدرت انتخاب فرد برای ابراز خود و کسب هویت و دسترسی به منابع لذت نیز بیشتر خواهد شد؛ بنابراین قدرت ابراز من اصیل فرد، وی را به این نگرش سوق می‌دهد که کسب هویت در کالاهای عاریتی چون پیشرفت فرزندان ممکن است نابودکننده آینده فرزند در سایه توقعات والدین باشد. به‌طور کلی گفتنی است هرچه فرصت‌های کسب منزلت و اهرم‌های کسب قدرت چون کسب تحصیلات بالاتر، جایگاه شغلی امن‌تر و شرایط اقتصادی مطلوب‌تر افزایش یابد، تمایل به داشتن فرزند به‌دلیل انگیزه‌های فرامادی و تجربه والدشدن، جایگزین ارزش‌های سنتی داشتن فرزند چون منافع اقتصادی، ارزش تداوم خانواده، وارث خانواده‌بودن، ابراز خود با موفقیت فرزندان و... می‌شود؛ بنابراین والدین ترجیح می‌دهند با خودشکوفایی فردی، اعتماد به نفس و کمال و توسعه را کسب کنند. هرچه دسترسی زنان به امکانات و سرمایه‌های فرهنگی بیشتر باشد، ارزش فرزندان، اهمیت کمتری دارد و لذت داشتن فرزند و تجربه والدشدن، جایگزین منافع داشتن فرزند برای کسب هویت، تداوم خانواده، منافع اقتصادی فرزند و... می‌شود. گفتنی است در جامعه مدرن امروزی، مقوله‌های ارزش فرزندان با مفهوم سنتی آن تغییر کرده است. زنان، فرزند را کالایی فرهنگی در نظر می‌گیرند که داشتن آن احساس لذت برای فرد ایجاد می‌کند و ارضاکنده غریزه پدر و مادری است و حاضرند با وجود هزینه‌های سنگین، داشتن فرزند را تجربه کنند، حتی اگر منافع عینی و کارکردی چون امنیت دوران پیری، نیروی کار، پیوستگی خانواده و... برای آنان در حد پایینی باشد.

به‌صورت وسیله‌ای برای دستیابی به کمال در زندگی (تقویت و توسعه خود) افزایش می‌یابد. منافع اقتصادی فرزند، افزایش تداوم خانواده، تقویت و توسعه خود در بین زنان متولد روستا در مقایسه با زنان متولد شهر، اهمیت بیشتری دارد.

با افزایش تحصیلات زن و شوهر، ارزش‌های مادی (منافع اقتصادی) و ارزش‌های غیرمادی (منافع احساسی، تقویت و توسعه خود و تداوم خانواده) داشتن فرزند کمتر می‌شوند. اینکه در بین زنان با تحصیلات کمتر، درک ارزش منافع اقتصادی و ارزش‌های غیرمادی فرزندان، فراوانی بیشتری دارد، با یافته‌های پژوهش کلین و اکهارد (2007)، که زنان دارای تحصیلات بالاتر، اهمیت کمتری برای جنبه‌های مطلوب اقتصادی (منافع اقتصادی داشتن فرزند) قائل هستند، مشابهت دارد؛ اما درباره جنبه غیرمادی ارزش فرزندان، در تقابل با هم قرار دارند. بین گروه زنان شاغل و خانه‌دار نیز درباره ارزش فرزندان، تفاوت وجود دارد. زنان خانه‌دار در مقایسه با زنان شاغل، ارزش بیشتری برای منافع احساسی و اقتصادی فرزندان قائل هستند. تفاوت‌های معنی‌داری در ارزش فرزندان در بعد هزینه‌های فرصت ازدست‌رفته، هزینه‌های احساسی و هزینه‌های اقتصادی در سه گروه طبقه اجتماعی بالا، متوسط و پایین وجود دارد.

درآمد خانواده با ارزش‌های توسعه و تقویت خود، کسب هویت با فرزندان، تداوم خانواده و منافع اقتصادی، رابطه معکوس دارد. زنانی که درآمد خانوادگی بیشتری دارند، ارزش‌های مادی و غیرمادی ذکرشده برای آن‌ها اهمیت کمتری دارد؛ زیرا با افزایش درآمد، مفهوم کارکردی منافع اقتصادی فرزندان برای خانواده رنگ می‌بازد و با وجود منابع درآمدی مناسب، ارزش فرزند برای کمک خرج‌بودن و تأمین مالی آینده والدین کاهش می‌یابد. والدین متمول، فرصت‌های در دسترس بیشتری برای ابراز خود و کسب هویت از کالاهای فرهنگی و سرگرمی چون کسب مهارت‌های هنری خواهند داشت؛ در نتیجه تمایل به ابراز خود در قالب هویت فرزندداری با افزایش کالاهای جایگزین برای کسب هویت فردی مدرن کاهش می‌یابد. با امکان خرید فرصت‌های



## منابع

- Becker, H. S. (1960) "Notes on the Concept of Commitment". *American Journal of Sociology*, 66(1): 32-40.
- Bradbury, B. (2004) "The Price, Cost, Consumption And Value of Children", *Social Policy Research Centre*, 132.
- Buhler, C. (2008) "On The Structural Value of Children and Its Implication on Intended Fertility In Bulgaria". *Demographic Research*, 18: 569-610.
- Cleland, J., Wilson, C. (1987) "Demand Theories of the Fertility Transition: an Iconoclastic View", *Population Studies*, 41: 5-30.
- Dinn, A.A. & Kagtcbasi, C. (2010) "The Value of Children for Parents idn the Minds of Emerging Adults". *Cross\_ Cultral Research*, 44(2):174\_205.
- Dyer, S. J. (2007) "The Value of Children in African Countries-Insight from Studies on Infertility" *,Journal of PsychosomatocObstetvic and Gynecology*, 28(2): 69-77.
- Easterlin, R. A. (1978) "What Will 1984 Be Like? Socioeconomic Implications Of Recent Twists In Age Structure". *Demography*, 15(4), 397-432.
- Fawcett, J.T. (1972) *The Statisfaeitions and Costs of Children: Theories, Concepts, Methods*, Hawaii, East-West Center.
- Fawceet, J. (1974) "The Value Of Children In Asia And The United States", *East- West population Inisture*, No. 32.
- Friedman, D., Hechter, M., & Kanazawa, S. (1994) "A Theory of the Value of Children". *Demography*, 31(3), 375-401.
- Hoffman, L. W. & Hoffman, M.L. (1973) "A psychological perspective on the value of children to parents", in J. T. Fawcett (ed.), *The Statisfaeitions and Costs of Children: Theories, Concepts, Methods*. Hawaii: East-West Center.
- Kagtcbasi, C. (1982). *Sex Roles, Value of Childern and Fertility*. In C. Kagtcbasi (Ed) *Sex Roles, Family and Community in Turkey*, Bloomington: Indiana University Press, pp.80- 151
- Klaus, D., Suckow, J., Nauck, B. (2007) "The Value of Childern in Palestine and Turkey: Differences and the Consequences for Fertility", *Current Sociology*, 55(4): 527-544.
- Klein, T., Eckhard, J. (2007). "Educational Differences, Value of Children and Fertility Outcomes in Germany", *Current Anthropology*, 55(4): 505-525.
- Leibenestein, H. (1977) "The Economic Theory of Fertility", in Johannes Overbeek (Ed.), *The Evolution of Population Theory*. London: Green Wood.
- ترابی، ف. (۱۳۹۰). «تأملی بر پایان‌نامه تأخیر ازدواج و کاهش باروری در ایران»، کتابنامه علوم اجتماعی، ش ۴۲ و ۴۳، ص ۹۸-۱۰۰.
- حسینی، ح. (۱۳۹۰). *جمعیت‌شناسی اقتصادی- اجتماعی و تنظیم خانواده*، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- شاهنوشی، م. و سامی، ا. (۱۳۸۸). «بررسی تفاوت ارزش فرزندان در مناطق شهری و روستایی شهرستان سمیرم»، *نشریه جامعه‌شناسی*، ش ۳، ص ۷۵-۹۶.
- ضیایی بیگدلی، م.ت.، کلانتری، ص. و علیزاده اقدم، م.ب. (۱۳۸۵). «رابطه بین میزان باروری کل با توسعه اقتصادی و اجتماعی»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ش ۲۱، ص ۱۴۰-۱۲۳.
- عباسی شوازی، م.ج.، حسینی‌چاوشی، م.، مک‌دونالد، پ. و دلاور، ب. (۱۳۸۳). *تحولات باروری در ایران، شواهدی از چهار استان منتخب، تهران: معاونت سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی*.
- قربانی، ش. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر بر ارزش فرزندان در فرایند فرزندآوری، مورد مطالعه: شهر جهرم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه شیراز: دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی.
- لوکاس، د. و میر، پ. (۱۳۸۴). *درآمدی بر مطالعات جمعیتی*، ترجمه محمودیان، ح.، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- مشفق، م. و غریب عشقی، س. (۱۳۹۱). «تحلیلی بر رابطه ارزش فرزندان و باروری بین زنان تهرانی»، *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، ش ۵۸، ص ۹۳-۱۲۰.
- Aghajanian, A. (2008) "Family and Family change in Iran". In C.B. Hennon & S.M. Wilson(ed.), *Families in a global context*, Routledge. pp.277.
- Arnold, F. (1987) "The Effect of Sex Prefernece on Fertility and Family Planning", *Emprical Evidence Population Bulletin of the united Nations*, 23-24: 44-55.

- Mayer, B., Trommsdorff, G. (2010) "Adolescents , Value of Children and Their Intentions to Have Children: A Cross- Cultural and Multilevel Analysis", *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 41(5-6): 671\_689.
- Nauck, B. (2005) The changing value of children-A special action theory of fertility behavior and intergenerational relationships in cross-cultural comparison. *Culture and human development. The importance of cross-cultural research to the social sciences.*
- Nauck, B., Klaus, D. (2007) "The Varying Value of Children: Empirical Results from Eleven Societies in Asia, Africa and Europe", *Current Sociology*, 55(4): 487\_503.
- Rani, D. U., Babu, V. and Sudhakara Reddy, M. V. (2003) *Economic Value of Children and Fertility*. Discovery Publishing House.
- Suckow, J., Klaus, D. (2002) *Value of Children in Six Cultures*. In: Nauck, B. & Suckow, J. (Ed.): *Soziale Netzwerke und Generation*.
- Turner, J.H. (1998) *The Structure of Social Theory*, New York, Wadsworth publishing company, 5th Edition.
- Weeks, J. (2011) *Population: An introduction to concepts and issues*. Cengage Learning.